

شرایط و قلمرو مدارا در قرآن و سنت

fatabatabaee@uk.ac.ir
azam.askari52@gmail.com

سیده فاطمه طباطبائی / استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان
اعظم عسکری خنامانی / کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی دانشگاه کرمان
دریافت: ۹۷/۰۶/۱۸ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۱

چکیده

امروزه برخی از مسلمانان به سبب عدم فهم دقیق و عمیق از معارف اسلامی پیرامون مدارا، دچار افراط‌گرایی شده‌اند، و تساهل و تسامح را جایگزین همزیستی مسالمت‌آمیز نموده‌اند. بنابراین، لازم است جهت تنویر چهره ناب اسلام و اتخاذ شیوه رفتاری صحیح در منابع اسلامی، به تبیین شرایط و قلمرو مدارا پرداخته شود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی شرایط و قلمرو مدارا از منظر قرآن کریم و سنت را تبیین کرده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که شرایط تحقق مدارا، به حفظ اصول و ارزش‌های دینی، عدم ظالم‌پروری، عدم تقابل با اجرای حدود الهی، رعایت حقوق دیگران و نیز حفظ عزت انسانی بسته است. رعایت قلمرو مدارا در اسلام وسیع و گسترده است، که از مدارای خداوند با انسان‌ها آغاز شده، و تا مدارای سیاسی، یعنی مدارا با مشرکان، منافقان و منتقدان، و مدارای اجتماعی، یعنی مدارا با اهل کتاب، قومیت‌ها و ملیت‌ها، مذاهب اسلامی، و نیز مدارا با والدین، همسر و فرزندان، و مدارای اخلاقی، که مدارا در سبک پوشش، رفتار و برخورد با مجرمان است، گسترش یافته است.

کلیدواژه‌ها: مدارا، قلمرو و شرایط مدارا، خداوند با انسان، مدارای سیاسی، مدارای اخلاقی، مدارای اجتماعی.

مقدمه

راستا در تبیین قلمرو مدارا از منظر قرآن و سنت، به علت جامع‌تر بودن دیدگاه سه‌بعدی وگت، دانشمند غربی، و نیز اتکا بر یک چارچوب مدون، از آن مدد گرفته شده است، و با شیوه‌توصیفی - تحلیلی به سؤال‌های زیر پاسخ داده خواهد شد.

۱. جایگاه مدارا در قرآن و سنت چیست؟
۲. شرایط مدارا در آیات قرآن کریم و روایات کدام است؟
۳. با نظر به آیات قرآن کریم و روایات، قلمرو مدارا چگونه است؟

۱- جایگاه مدارا در قرآن و سنت

۱-۱ مدارا در لغت

لغت‌شناسان در مورد ریشه مدارا با یکدیگر اختلاف نظر دارند. برخی معتقدند که ریشه مدارا «درأ» می‌باشد (مصطفوی ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۰۸). عده‌ای دیگر ریشه مدارا را از دو ماده «درأ» و «دری» می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۷۱؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۴۴؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۹۵). هریک از لغت‌شناسان معنایی برای «درأ» و «دری» گفته‌اند: از معانی دری، نوعی شناخت و معرفت همراه با فریب، به دست می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۳۱۲)؛ و نیز قصد چیزی را کردن و خواستن آن، تیزی در جسم (ابن فارس، ۱۹۷۹ م، ج ۲، ص ۲۲۱)؛ و به معنای دانستن نیز آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۷۱). مدارا از این ریشه به معنای مهربانی کردن و او را گول زدن آمده است! که در زبان متداول، یعنی رضایت وی را جلب کرد و خواست‌اش را بر آورده نمود. گویی با تحمل طرف مقابل و مهربانی او را فریفته و مدیون محبت خود می‌گرداند.

معانی درء: درء در لغت به معنای دفع کردن شیء (ابن فارس، ۱۹۷۹ م، ج ۲، ص ۲۲۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۷۱)، متمایل شدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۳۱۳)؛ و همچنین به معنای دفع کردن شدید؛ به طوری که در آن، خصومت و اختلاف حاصل شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۱۸۹)، آمده است. در قرآن کریم، در سوره «عد»، آیه ۲۲ این کلمه استعمال شده است که به معنای دفع کردن آمده است. درأ (دفع) سیئه به حسنه است؛ یعنی آنها بدی را با بدی تلافی نمی‌کنند، بلکه سعی دارند اگر از کسی نسبت به آنها بدی برسد، با انجام نیکی در حق وی، او را شرم‌نده، و وادار به تجدیدنظر کنند.

واژه مدارا، در حالت اسم مصدر به معنای: صلح، آشتی، نرمی،

مدارا یکی از صفات برجسته انسانی است که در اسلام در کنار شدت آمده است. این کلمه گرچه کوتاه است، اما بسیاری از فضائل اخلاقی را در درون خود نهفته دارد؛ از قبیل: فروتنی، ملاحظت، دوری از کینه‌توزی و... از ویژگی‌های مشترک ادیان الهی مدارای با خلق و شفقت با آنان است. چون اسلام در رأس ادیان الهی و مکمل آنان است؛ بنابراین، اصل مدارا نمودی دیگر دارد و از ابعاد گسترده‌ای برخوردار است، و مراد شارع مقدس معنای اعتدالی آن می‌باشد.

یکی از مشکلات موجود در عصر حاضر آن است که برخی از مسلمانان به خاطر نوعی فهم اندک از قرآن، دچار افراط‌گرایی یا تفرط‌گرایی شده‌اند، و تساهل و تسامح و خشونت را جایگزین مدارا و همزیستی مسالمت‌آمیز کرده‌اند که نمونه بارز آن، ظهور «تساهل و تسامح» در فرهنگ غربی از طرف افراط، و خشونت وهابی و داعشی از طرف تفریط می‌باشد، که با نقاب اسلام به شیوه ددمشانه به خشونت تمسک کرده‌اند، و اهداف ضداسلامی خویش را دنبال می‌کنند. بنابراین، لازم است برای تبیین شرایط مدارا، و قلمرو آن، در جهت همزیستی مسالمت‌آمیز در قرآن و روایات، بررسی و تحقیق شود؛ تا جایگاه مدارا در اسلام و رابطه آن با شدت، به روشنی مشخص شود.

پیرامون مبحث مدارا تحقیقاتی انجام گرفته است. برخی مانند: لطفی (۱۳۸۸) در پایان‌نامه خود تحت عنوان *مدارا و قاطعیت از منظر قرآن*؛ و فرزانه‌پور و بخشایی‌زاده (۱۳۹۰) در مقاله «تساهل و مدارا در قرآن»، گستره مدارا را از دیدگاه قرآن بررسی کرده‌اند. عده‌ای دیگر، مدارای با پیروان مذاهب را مورد پژوهش قرار داده‌اند؛ از جمله مقاله «اخلاق و رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان مذاهب» (علی‌اکبری، ۱۳۹۲). برخی از پژوهش‌ها نیز حوزه مدارا با مخالفان را با توجه به سنت و سیره پیشوایان معصوم^{علیهم‌السلام} بررسی کرده‌اند. در این زمینه از مقاله «مدارا با مخالفان در سنت و سیره پیشوایان معصوم^{علیهم‌السلام}» (احسانی، ۱۳۸۹) را می‌توان نام برد. بنابر اینکه هریک از تحقیقات مذکور بخشی از ابعاد مدارا را مورد بررسی قرار داده است، لازم دیده شد، تحقیقی جامع و گسترده پیرامون مدارا از منظر قرآن و سنت انجام گیرد، تا تمام ابعاد آن، تبیین و تنویر گردد.

در این تحقیق سعی بر آن است که شرایط و قلمرو مدارا به صورت منسجم‌تر، منظم‌تر و گسترده‌تر، از منظر قرآن کریم و روایات، و استفاده از کتب شیعه و اهل سنت، بررسی گردد. در این

جن: ۱۰ و ۲۵؛ مذکر: ۲۷؛ مرسلات: ۱۴؛ عبس: ۳؛ انفطار: ۱۷ و ۱۸؛ المطففین: ۱۹ و ۸؛ طارق: ۲؛ البلد: ۱۲؛ قدر: ۲؛ قارعه: ۳ و ۱۰؛ همزه: ۲؛ زمر: ۲۳؛ حشر: ۵؛ طه: ۴۴؛ سبأ: ۱۰، که همه آنها به گونه‌ای معنی دانستن را بیان می‌کند. همان‌طور که بعضی از لغویان «دری» را به معنای درایت، دانستن و شناخت، معنا کرده‌اند.

۱-۴. مترادفات مدارا در آیات

لین: کلمه لین در لغت به معنای نرمی در برابر درستی و تندخویی است (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۵، ص ۲۳۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۳۹۴؛ قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۲۳). در اجسام هم به کار می‌رود و کاربردش در اخلاق، استعاره است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۵۲). این واژه و مشتقات آن پنج مرتبه در قرآن کریم آمده است. رفق: کلمه رفق در لغت به معنای توافق، موافقت (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۲، ص ۴۱۸) و لطف نیز به کار برده شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۱۸) و همچنین این واژه در مقابل شدت و خشونت به کار می‌رود، و در فارسی به معنای سازگاری و نرم‌خویی است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۱۸۶).

در قرآن کریم واژه «رفق» به کار نرفته است؛ اما مشتقات آن، مانند: رفیق، مرفق، مرافق، مرتفق، در پنج آیه از آیات قرآن کریم وجود دارد (نساء: ۶۹؛ مائده: ۶؛ کهف: ۱۶، ۲۹ و ۳۱).

عفو: کلمه عفو در لغت به معنای آمرزش و بخشش انسانی که مستوجب عقوبت و مجازات است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۵۸) و همچنین قصد گرفتن چیزی را عفو می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۷۴)؛ گاهی نیز به معنای «محو» آمده است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۶۸۶).

عفو نیز یکی دیگر از واژه‌های مترادف با مدارا است. این واژه ۳۴ مرتبه در ده سوره و سی آیه در قرآن کریم آمده است (بقره: ۱۰۹ و ۵۲ و ۱۷۸ و ۱۸۷ و ۲۱۹ و ۲۳۷ و ۲۸۶؛ آل عمران: ۱۳۴، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۹؛ نساء: ۴۳، ۹۹، ۱۵۳، ۱۴۹؛ مائده: ۱۵، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۳ و...)؛ نوزده مورد آن درباره عفو خداوند نسبت به بندگان می‌باشد؛ و پانزده مورد دیگر، بخشش انسان‌ها نسبت به یکدیگر را بیان می‌کنند.

صفح: کلمه صفح در لغت به معنای پهلوی و سطح هر چیزی است (ابن فارس، ۱۹۷۹، ج ۳، ص ۲۹۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۲). عفو و بخشش را نیز «صفح» می‌گویند و «صفوح» از

تحمل، مماشات؛ و در حالت مصدری به معنای: تحمل کردن، نرمی و شفقت کردن، ملایمت نشان دادن، و رعایت کردن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۱۸۱۱۲۰؛ معین، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۹۵۸).

۱-۲. مدارا در اصطلاح

مدارا از حیث معنا نزدیک به رفق است؛ زیرا مدارا، نرمی و ملایمت و حسن معاشرت با مردم و تحمل ناگواری و آزار آنهاست (نراقی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۹) و نیز اظهار محبت، دوستی و موافقت با مردم شمرده می‌شود (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۰۵).

۱-۳. کلمه مدارا در آیات

واژه مدارا در قرآن به کار نرفته است؛ اما واژگانی که به لحاظ معنایی نزدیک به این واژه هستند، مانند: لین، رفق، عفو، و صفح، در قرآن استعمال شده است. در قرآن کریم ۵ آیه با ریشه «درأ» آمده است. همه آنها در اصل به معنای دفع کردن می‌باشند، و تنها دو مورد از آنها (رعد: ۲۲؛ قصص: ۵۴) با بحث مدارا سازگاری دارد، و به معنای دفع کردن بدی به خوبی است. با توجه به این دو آیه می‌توان گفت: «حسنة» به معنای نیکی، خوبی، عفو، صلۀ رحم، احسان و محبت، علم و صبر، سخن نیکو و اخلاق و کردار خوب؛ و «سینه» به معنای بدی، ستم، قطع رحم، عداوت، آزار و اذیت، جسارت، سخن زشت، اخلاق و کردار بد، استعمال شده است. هر یک از آنها به نوعی، رفتار مداراگونه را نشان می‌دهد؛ و بیانگر مدارای انسان‌ها با یکدیگرند؛ یعنی انسان در زندگی باید بدی‌های گفتاری و اخلاقی و رفتاری دیگران را با خوبی در گفتار، و اخلاق و رفتار پسندیده، دفع نماید؛ و گفتار زشت را با گفتار نیکو، و کردار زشت، اعم از منکرات، را با کردار نیک و معروفات پاسخ دهد؛ همچنین در مقابل اخلاق بد و ناپسند، از اخلاق خوب و پسندیده استفاده کند. بنابراین، دشنام، بدزبانی، نامهربانی، کینه، ظلم، عداوت، قطع و... را با خوش‌زبانی، لطف، محبت، گذشت، مهربانی، صلۀ و... دفع نماید. همچنین از این دو آیه فهمیده می‌شود که مدارا، سازش و شفقت در برخورد با دیگران، از صفات و ویژگی‌هایی است که مورد تمجید و طلب خداوند تبارک و تعالی می‌باشد.

واژه «دری» ۲۹ مرتبه در ۲۸ آیه و ۲۱ سوره آمده است (نساء: ۱۱؛ یونس: ۱۶؛ انبیاء: ۱۰۹ و ۱۱۱؛ لقمان: ۳۴؛ احزاب: ۶۳؛ شوری: ۱۷ و ۵۲؛ جاثیه: ۳۲؛ احقاف: ۹؛ طلاق: ۱؛ حاقه: ۳ و ۴؛

به عبارت دیگر، هر بدی که از دیگران به انسان می‌رسد را با خوبی و نیکی پاسخ دادن؛ زیرا همزیستی مسالمت‌آمیز با مردمان، لازمه‌اش رفتاری ساده همراه با سعه‌صدر، تندخویی نکردن، درستی نکردن و سخت نگرفتن با آنها می‌باشد.

صفات خداوند تعالی است؛ یعنی خداوند نسبت به گناهان بندگانش بسیار بخشنده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۸۰). این واژه هشت مرتبه در شش سوره و هفت آیه در قرآن به کار برده شده است (بقره: ۱۰۹؛ هجر: ۸۵؛ نور: ۲۲؛ زخرف: ۸۹؛ تعابین: ۱۴؛ حجر: ۸۵).

۲- شرایط مدارا (نسبت و رابطه مدارا با شدت) در قرآن و سنت

اساس تعالیم دینی مبتنی بر نرم‌خویی، مدارا، و گذشت است که در سایه آن می‌توان به عزت و امنیت و قوام اجتماع دست یافت، و در راستای اعتلای اسلام از آن بهره جست. در بررسی متون دینی، بخصوص آیات و روایات، گرچه اصرار بسیاری بر مدارا، گذشت، رفق، عفو، صفح، و لین، مشاهده می‌شود؛ ولی روشن است که نسبت و رابطه مدارا با شدت، مطلق و بی‌قید و شرط نیست؛ بلکه استنباط می‌شود که اگر مدارا به افراط و تفریط متمایل شود، به‌ویژه در قبال دشمنان، آثار زیان‌باری برای فرد و جامعه در پی خواهد داشت، و مدارای بی‌قید و شرط را هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد. بنابراین، با تعمیق و تحقیق در آموزه‌های دینی می‌توان برای مدارا شروطی را استخراج نمود. در حقیقت اسلام در موضعی، بین مدارا و شدت عمل، رابطه برقرار کرده است؛ یعنی تا حدی آن را جایز می‌داند که محصور در شرایط و قوانینی باشد که موجب قوام، امنیت جامعه و بقاء دین شود؛ و در غیر این صورت ارجحیت شدت عمل بر مدارا واضح است. در این مبحث به مهم‌ترین شرایط مدارا از منظر قرآن کریم و روایات پرداخته شده که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱-۲. مدارا و حفظ اصول و ارزش‌ها

هر نهضت از اصول و ارزش‌های ویژه‌ای برخوردار است، که فلسفه وجودی آن را تشکیل می‌دهد. در نظام اسلام اصول اعتقادی و ارزش‌های اساسی ثابت و حقیقی وجود دارد که در راستای رسانیدن انسان به هدف غائی در دنیا و آخرت، او را یاری می‌کند؛ بنابراین، ملزم به پایبندی به آنها می‌باشد. به کارگیری مدارا در چارچوب این اصول و ارزش‌ها، آثار ارزشمندی را به دنبال خواهد داشت، و برای یک دین، فضیلت محسوب می‌گردد. اما اگر مدارا از این مسیر منحرف شود، مصالح دینی مورد تهاجم قرار خواهد گرفت، و انسان از هدف غائی خویش باز می‌ماند. پس بایستی برای حفظ اصول،

۱-۵. مدارا و مترادفات آن در سنت

در روایات، مدارا و عقل در کنار یکدیگر ذکر شده و مدارا نمودن، نشان خردمندی و عقل دانسته شده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۵۳) و همچنین تأکید دارد که مدارا از ایمان نشئت یافته است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۴۴۰) و از مأموریت انبیا می‌باشد (صدوق، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۴۵۸؛ ص ۲۰). لین: نرم خویی در روایات، بهترین اخلاق (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۰۷) و از صفات پیامبر اکرم ﷺ و مؤمنان دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۲۴۵) و پاداش الهی برای آن تعیین شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲، ص ۵۱). رفق: رفق در روایات نشئت گرفته از ایمان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۱۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۶۹) محور خیر و خوبی‌ها (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۵۳۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۳۹؛ پاینده، بی‌تا، ص ۷۳۸) و کلید حل مشکلات دانسته شده است (دیلمی، ۱۴۰۸، ج ۲۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۲۸).

عفو: عفو در روایات مایه عزت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۱۷۰) و برترین مکارم اخلاق به حساب آمده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۱۷۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۸۲). البته آن عفو دارای ارزش و منزلت است که در هنگام قدرت تحقق یابد.

صفح: در روایات، نیکوگذشتن، از اخلاق پسندیده‌ای (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۱۹۱؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۱۵۷) تلقی شده است که در هنگام قدرت ظهور یابد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۸، ص ۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۵۰۸). در روایات، علاوه بر مترادفات مدارا، خود لفظ مدارا نیز به کار برده شده است. در نتیجه، ضابطه مدارا از حیث معنا عبارت است از: نرمی، ملایمت و حسن معاشرت با مردم و تحمل ناگواری و آزار آنها.

متعال در این آیه از مجازات زن و مرد سخن می‌گوید، و تأکید می‌کند: نباید شفقت و رحمت، شما را برآن دارد که حد خدا را رها کنید و برپای ندارید (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۳۱۷)؛ زیرا گرفتار محبت‌ها و احساسات بی‌مورد شدن در اجرای حدود الهی، نتیجه‌ای جز فساد و آلودگی اجتماع نخواهد داشت (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۳۵۹).

در حدیثی پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه فرموده است: «کسی که شفاعتش مانع اجرای یکی از حدود الهی گردد، با خداوند مخالفت کرده است» (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۹۹).

۲-۳. حفظ عزت انسانی

در قرآن کریم مدارا تا جایی پذیرفته است که به اعتلای انسان و عزت و کرامت او بیفزاید؛ ولی اگر سبب زایل شدن عزت و یا خوارگی و ذلت انسان گردد، دیگر پذیرفته نخواهد بود. در آیه ۴۶ سوره «عنکبوت»، خداوند متعال برخورد با اهل کتاب را بدین گونه بیان می‌کند: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ...»؛ یعنی مجادله با اهل کتاب بایستی به صورت ملایم، الفاظ مؤدبانه، لحنی دوستانه باشد، و آهنگ صدا خالی از فریاد و جنجال و هتک حرمت و خشونت باشد. اما با بعضی از آنها نباید چنین برخورد کرد؛ زیرا ممکن است حمل بر ضعف و زبونی شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۹۸).

در سخن ارزشمندی امام صادق ﷺ از قول امیرمؤمنان علی ﷺ چنین فرمود: «باید در قلب تو نیازمندی به مردم، و بی‌نیازی از آنها هر دو جمع باشد. نیازمندی تو به آنها در نرمی سخنت و گشاده‌رویی توست؛ و بی‌نیازی تو در حفظ آبرو و عزت توست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۴۹؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۴۴۸). یعنی وقتی پای حیثیت و شرف در میان است، و هنگامی که با ذره‌ای نرمش عرض و آبرو و عزت انسان از بین می‌رود، دیگر نباید رفتار یک نیازمند را داشته باشد؛ بلکه باید رفتار یک بی‌اعتنا و بی‌نیاز را از خود نشان دهد (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۱۵).

۲-۴. عدم ظالم‌پروری

قرآن کریم، مدارا، نرمی و گذشت را با دوست و دشمن تا جایی جایز می‌داند که منجر به ظالم‌پروری نشود. اگر مدارا کردن، آنها را جسورتر می‌کند و در ستمگری خویش راضی و خشنود می‌نماید،

ارزش‌ها و بایسته‌ها ایستاد و مقاومت نمود. قرآن و سیره پیامبر اکرم ﷺ گویای آن است که از همان روزهای آغازین اسلام، عده‌ای سعی داشتند با هنجارشکنی، اصول و ارزش‌های اسلام را زیر پا بگذارند که می‌توان به دو گروه در این زمینه اشاره کرد: هنجارشکنی کفار و مشرکان، و هنجارشکنی منافقان. کفار و مشرکان بارها به پیامبر اکرم ﷺ پیشنهاد سازش در اصول دین را مطرح کردند. اما آن حضرت به آنان جواب قاطع و کوبنده داد، و هرگز در اصول دین نرمشی از خود نشان نداد. خداوند متعال همواره به پیامبر اسلام ﷺ هشدار می‌داد که کمترین انعطافی در برابر پیشنهادهای انحرافی از خود نشان ندهد. لذا در سوره «قلم» می‌فرماید: «فَلَا تَطِغِ الْمُكْذِبِينَ وَذُو لَوْ تَدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (قلم: ۹۸)؛ حال که چنین است از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن، آنها دوست دارند نرمش نشان‌دهی تا آنها نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق). در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که به جریان نفاق پرداخته است. از جمله این آیات، آیه ۱ سوره «احزاب» است. خداوند در این آیه پیامبر اکرم ﷺ، و به تبع آن مسلمانان را از اطاعت کافران و منافقان برحذر داشته است. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا»: ای پیامبر! از خدا بترس و از کافران و منافقان اطاعت مکن، که خدا دانای فرزانه است. عدم سازش پیامبر ﷺ با منافقان در اصول، آنچنان بود که مسجد آنان را که به نام «مسجد ضرار» مشهور شد، را به آتش کشید.

۲-۲. عدم تقابل با اجرای حدود الهی

هدف از وضع نمودن قوانین و احکام الهی در همه ادیان الهی، و در رأس آنها اسلام، سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها، ایجاد نظم و امنیت در جامعه، جلوگیری از فساد، تباهی، و خونریزی است. اسلام تا جایی که افراد به این قوانین و احکام پایبند باشند شیوه مدارا و رفق و گذشت را با آنها در پیش می‌گیرد. اما زمانی که اقداماتی در تعارض با این امور انجام پذیرد، اسلام دستور به شدت عمل و اجرای مجازات می‌دهد، و از حاکمان و مجریان قانون نیز می‌خواهد که در اجرای حدود الهی و مجازات، در راستای اصلاح فرد و جامعه و نیز محو فساد، سستی و اهمال ننمایند. از این‌رو، در قرآن کریم آیه شریفه ۲ سوره «نور»، خداوند می‌فرماید: «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ...» خداوند

دستور به شدت عمل و مبارزه با آنان خواهد داد. خداوند در آیه شریفه ۴۰ سوره «شوری» می‌فرماید: «وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا و...». اگر دستور عفو در اینجا داده است، به معنای دفاع از ظالمان نیست؛ زیرا خداوند ظالمان را هرگز دوست نمی‌دارد، بلکه هدف، هدایت گمراهان و استحکام پیوندهای اجتماعی است، و کسانی شایسته عفو هستند که از مرکب ظلم پیاده شوند و از گذشته خود، نادم و پشیمان گردند، و در مقام اصلاح خویش برآیند؛ نه ظالمانی که عفو، آنها را جسورتر و جری‌تر می‌کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۴۶۶). امام سجاده^ع نیز در این زمینه سخن ارزشمندی را بیان فرموده است: «حق آنکس که بر تو بدی کرده است، آن است که او را عفو کنی و اگر دانستی که عفو ضرر دارد، (برای مقابله) یاری بطلب؛ خداوند متعال فرموده است: کسی که بعد از مظلوم شدن، یاری بطلبد، ایرادی بر او نیست (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۱۷۹).

۲-۵. رعایت حقوق دیگران

مدارا، عفو و گذشت در اموری که باعث ضایع شدن حقوق دیگران شود، چه حقوق شخصی افراد، چه حقوق عمومی و بیت‌المال، مذموم و ناپسند است، و هیچ کس حق سازش در این امور را ندارد. پیامبر اکرم^ص آن پیام‌آور رحمت، در سخن ارزشمندی مدارا کردن با دیگران را بعد از ایمان به خداوند، اساس عقل می‌داند. اما آن را تا جایی جایز شمرده است که حقی ترک و ضایع نشود. آن حضرت می‌فرماید: «رَأْسُ الْعُقْلِ بَعْدَ الْإِيْمَانِ بِاللَّهِ مَدَارَةُ النَّاسِ فِي غَيْرِ تَرْكِ حَقِّ» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۴۵)؛ اساس عقل بعد از ایمان به خداوند، مدارا کردن با مردم در اموری است که حقی ترک نشود.

۳- قلمرو مدارا در قرآن و سنت

از زمان جنگ‌های مذهبی در قرن‌های شانزده و هفده میلادی، مدارا واژه‌ای است که بارها در جامعه غربی مدرن مورد استفاده قرار گرفته است (عسکری و شارع‌پور، ۱۳۸۸، ص ۵). هر کدام از نظریه‌پردازان، ابعادی را برای مدارا لحاظ نموده‌اند. هریک از دانشمندان غربی برای مدارا تقسیم‌بندی خاصی در نظر گرفته‌اند؛ از جمله:

۱. وگت (vogt)، مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند که با یکدیگر همپوشی دارند: الف، مدارای سیاسی (مدارا نسبت به اعمال

افراد در فضای عمومی، یا احترام به آزادی‌های مدنی دیگران. به عبارت دیگر، خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی زندگی، به عملی اشاره دارد که مورد علاقه و توافق نباشد؛ ب: مدارای اجتماعی (مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان بودن؛ چه آنهایی که از هنگام تولد همراه افراد است، مانند رنگ پوست، جنسیت؛ و چه آنهایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شود)؛ ج: مدارای اخلاقی (مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی، یا مدارا نسبت به اعمال کسانی که به دنبال زندگی خوب برای خود، خارج از فضای عمومی هستند).

۲. لرد/اسکارمن (Scarman)، مدارا را به دو قسمت تقسیم کرده است. الف: مدارای مثبت، (پشتیبانی از حقوق و آزادی‌های مردم برای دستیابی به اهداف زندگی)؛ ب: مدارای منفی، (عدم مداخله در امور مردم، و رها کردن آنها به حال خودشان).

۳. پیتزکینگ (King)، مدارا را به سه دسته تقسیم کرده است. الف: مدارای هویتی، (اعمال مدارا نسبت به ویژگی‌هایی که اختیاری نیستند؛ مانند: مدارا نسبت به هویت‌های مختلف، ملیت‌های گوناگون و قومیت‌های متمایز)؛ ب: مدارای سیاسی، (مدارا نسبت به گروه‌هایی که مورد تأیید فرد نیستند)؛ ج: مدارای رفتاری، (مدارا در الگوهای روابط جنسیتی، مدارا نسبت به جرم و مجرمان).

۴. ورنرگلد/شمیت (Goldschmidt)، وی مدارای اجتماعی را به لحاظ تحلیلی به دو دسته فعال و منفعل، تقسیم کرده است. الف: مدارای منفعل، (نوعی از بی‌تفاوتی افراد نسبت به یکدیگر)؛ ب: مدارای فعال، این مدارا خود به دو قسمت تقسیم می‌شود. الف: انتزاعی، که فرد به‌طور شفاهی معتقد به مدارا نسبت به دیگران است؛ ب: عینی: که فرد علاوه بر شفاهی، عملاً نیز مدارا را نشان می‌دهد (همان، ص ۶۰-۱).

تقسیم وگت، که مدارا را به سه دسته تقسیم می‌کند نسبت به سایر تقسیم‌بندی‌های ارائه‌شده، جامع‌تر است؛ زیرا بسیاری از آنها را نیز شامل می‌گردد. این تقسیم‌بندی علاوه بر اینکه بر غنای مفهومی بحث مدارا افزوده است، قابلیت آزمون تجربی را نیز دارد (عسکری و شارع‌پور، ۱۳۸۸، ص ۳۰). بنابراین، در این بخش سعی شده است، بر اساس دیدگاه سه‌بعدی وگت به تبیین قلمرو مدارا از منظر قرآن و سنت پرداخته شود. البته صرفاً از این تقسیم‌بندی، برای داشتن چارچوب مشخص از قلمرو مدارا استفاده شده است، و تکیه‌گاه محقق بر عناوین این تقسیمات متمرکز شده است.

۳-۱. مدارای سیاسی

از پای شما باز می‌کنم، و اعلام می‌کنم که: «فَادْهُبُوا فَاَنْتُمْ الطُّلَقَاءُ»^۱ بروید دنبال زندگی خود، همه شماها آزادید (واقعی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۱، ص ۱۳۳).

دومین دسته از مخالفان، منافقان بودند. با وجود اینکه منافقان علیه اسلام و پیامبر اکرم ﷺ و نابودی آنها، همواره در صدد توطئه و تخریب بودند، اما خداوند متعال راه مدارا و رحمت و مهربانی را به روی آنان می‌گشاید و آنها را دعوت به توبه و بازگشت به سوی کارهای نیک و پسندیده می‌نماید؛ زیرا هدایت و سعادت این دسته از انسان‌ها نیز هدف خلقت الهی می‌باشد، و در جریان خلیفه‌الله شدن بشر، فرقی بین انسان‌ها نیست، مگر به خواست و اختیار خودشان. از این رو، در آیه شریفه ۷۴ «توبه» می‌فرماید: «يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَ قَانَ يُتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ...».

خداوند تعالی به وسیله توبه، منافقان را تشویق و ترغیب کرده است، و به واسطه رحمت خود، در امید و آرزو را در مقابلشان باز می‌کند (زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۰، ص ۳۱۴).

یکی از موارد مدارای پیامبر اکرم ﷺ با این دسته از افراد، قضیه عبدالله بن ابی، سرکرده منافقان مدینه است. هنگامی که پسر عبدالله نزد پیامبر ﷺ آمد و از ایشان درخواست کرد که خودش عامل قتل پدرش شود، تا وی دستش به خون مسلمانی آغشته نگردد. پیامبر ﷺ پاسخ داد: تا زمانی که در زمره ما است، با او مدارا می‌کنیم و با او به نیکی معامله خواهیم کرد (ابن هشام، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۲۵۲؛ سبحانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۶۶).

نمونه‌ای دیگر از برخورد محبت‌آمیز پیامبر ﷺ با منافقان، پذیرفتن توبه و بخشش فردی به نام جلاس بن سوید است (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۶، ص ۱۰۴؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۳). در قرآن و سنت، ابتدا مدارا، صفح، عفو، و رفق با منافقان و مشرکان آموزش داده می‌شود، و به آنان به چشم یک انسان خطاکار، که امکان توبه برای آنان فراهم است، نگریسته می‌شود. چه بسا که برای بازگشت آنها، ترغیب و تشویق نیز صورت می‌پذیرد. اما اگر این دسته از افراد به مسیر صحیح بازنگردند، و در خطا و مخالفت خود، با اصول و ارزش‌های الهی مبارزه کنند، دیگر اسلام اجازه مدارا و عفو نمی‌دهد؛ زیرا مدارا در این صورت، با هدف خلقت در تضاد خواهد بود.

۳-۱-۲. مدارا با منتقدان

از نشانه‌های مردمی بودن حکومت، روابودن نقد و انتقاد در آن است.

مدارای سیاسی از دیدگاه وگت به معنای مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی، یا احترام به آزادی‌های مدنی دیگران و به عبارت دیگر، خودداری ارادی در مواجهه با عمل افراد در فضای عمومی زندگی، که مورد علاقه و توافق نباشد، آمده است (عسکری و شارع‌پور، ۱۳۸۸، ص ۷). براساس تعریف وگت از مدارای سیاسی، تقسیم‌بندی زیر برای آن در نظر گرفته شده است. این مطالب به قرآن کریم و سنت ارجاع داده خواهد شد تا دیدگاه اسلام در این زمینه تبیین شود.

۳-۱-۱. مدارا با مخالفان (کفار و منافقان)

مدارا در هریک از قلمروهای مطرح‌شده، حدودی دارد که در برخی گسترده‌تر و در برخی محدودتر خودنمایی می‌کند؛ به‌ویژه در مواردی همچون کفار و منافقان که دستور سخت‌گیری بر آنها وارد شده است. اولین گروهی که به مخالفت و دشمنی با اسلام اقدام نمودند، سران مشرک قریش بودند، که در مکه و مدینه به مخالفت جدی و شدید با پیامبر ﷺ پرداختند (جمعی از محققان، ۱۳۸۶، ص ۴۶۷). خداوند در مورد برخورد با کفار و مشرکان، در آیه شریفه ۸۵ سوره «حجر» چنین می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَفَصَّحَّحَ الصَّفْحَ الْجَمِيلِ». در این آیه خداوند متعال به آن حضرت تسلائی خاطر می‌دهد تا از آنچه می‌گویند، غمگین و تنگ حوصله نگردد (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۲، ص ۱۸۸)؛ زیرا هدف پیامبر اکرم ﷺ در مراحل اولیه، راهنمایی، اصلاح و هدایت فرد و جامعه به سوی کمال و سعادت است، و رفق و مدارا در این راستا کارساز خواهد بود، و به سرعت او را به این هدف می‌رساند. از این آیه چنین فهمیده می‌شود که مسلمان باید موقعیت‌شناس باشد، و صلاح فرد و جامعه را به خوبی تشخیص دهد، و طبق آن مدارا یا شدت عمل به خرج دهد. در مرحله ابتدایی اگر در برابر مخالفان با موضعی تند برخورد شود، مطمئناً به خشونت و تعصب آنها افزوده خواهد شد. چه بسا با شیوه و برخوردی نیکو، بتوان آنها را به راه حق هدایت نمود.

بهترین نمونه رفق، مدارا، و گذشت پیامبر اکرم ﷺ با مردم مکه و سران مشرک، پس از فتح مکه بود. گروه‌های متعصب و لجوجی که بارها علیه پیامبر ﷺ جنگ‌های خونین به راه انداخته بودند، و اصحاب و یاران آن حضرت را به شهادت رسانده بودند؛ اما پیامبر ﷺ به آنها فرمود: من با وجود این جرائم، همه شما را می‌بخشم و بند بردگی را

باز می‌کند. با منطق و استدلال می‌توان افرادی که مخالفت و عناد آنها از روی جهل و ناآگاهی است، به مسیر حق هدایت نمود؛ درحالی‌که با تندخویی و مقابله به مثل، به مخالفت این افراد افزوده خواهد شد. البته یادآوری این مطلب مهم ضروری است که اتخاذ این سبک و شیوه رفتاری جذاب و پسندیده تا جایی ممکن است که آنان علیه نظام اسلام اقدامی انجام ندهند باشند، و توطئه‌هایشان برملا نشده است.

۲-۳. مدارای اجتماعی

مدارای اجتماعی از دیدگاه وگت به معنای مدارا نسبت به حالت‌های مختلف انسان است، چه آنهایی که از هنگام تولد همراه افراد است مانند رنگ پوست، جنسیت و چه آنهایی که در طول زندگی از طریق فرایند اجتماعی شدن کسب می‌شوند (عسکری و شارع‌پور، ۱۳۸۸، ص ۷). بر اساس تعریف وگت، تقسیم‌بندی زیر برای مدارای اجتماعی در نظر گرفته شده است. این مطالب به قرآن کریم و سنت ارجاع داده خواهد شد.

۱-۲-۳. مدارای دینی

مدارا با پیروان سایر ادیان و نیز اهل کتاب: خدای تعالی در قالب آیات قرآنی توصیه‌ها و دستورهای پیرامون مدارا و روابط عادلانه و همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب - بجز کسانی از آنها که به انکار حق مبادرت ورزیده و به جنگ و خصومت با مسلمانان اقدام می‌نمایند - صادر کرده است؛ از جمله آیه شریفه ۴۶ «عَنْكِبُوت»: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ»، در این آیه شریفه پیامبر اکرم ﷺ - و در حقیقت سایر مسلمانان - مورد خطاب خداوند متعال قرار گرفته‌اند و به آنها فرمان می‌دهد: که مجادله با اهل کتاب بایستی احسن و نیکو باشد؛ یعنی «باید در برخورد با آنان بهترین شیوه را به کار برد، همانند: نرمی در مقابل خشونت و خویش‌نمایی در برابر غضب (زمخسری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۵۷).

پیامبر اسلام ﷺ در سخن ارزشمندی چنین فرمود: «کسی که به هم‌پیمان غیرمسلمان ستم روا دارد، من دشمن او هستم؛ پس تقوای الهی را پیشه کن و قوتی نیست مگر به خداوند متعال» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۷۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۲۱).

۲-۲-۳. مدارا با مذاهب اسلامی

شکی نیست که مسلمانان بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ با یکدیگر

در صورتی که حکومت‌های استبدادی راه هرگونه نقدی را می‌بندند، تا همه امور مطابق میل آنها انجام شود (احمدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸). از جمله حقوقی که پیامبر اکرم ﷺ همواره آن را رعایت می‌کرد، اجازه انتقاد کردن بود. شیوه پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ در برخورد با منتقدان بدین‌گونه بوده، که ابتدا به آنان اجازه اظهار نظر می‌دادند، و سپس به روشنگری آنان می‌پرداختند. هرگز جلوی انتقاد و اظهار نظر را نمی‌گرفتند و با سعه صدر و برخوردی توأم با مهر و محبت و نرمی، با منتقدان رفتار می‌کردند.

پیامبر اکرم ﷺ غنائمی را که از غزوه حنین به دست آمده بود را میان مسلمانان تقسیم کرد، و خمس بیت‌المال که مخصوص خود پیامبر ﷺ بود را میان سران قریش که تازه اسلام آورده بودند، تقسیم کرد. این بذل و بخشش پیامبر ﷺ بر عده‌ای از مسلمانان، بالاخص انصار، سخت‌گرا آمد. زبان به اعتراض و انتقاد گشودند. رسول خدا ﷺ دستور داد معترضان را در جایی گرد آورند؛ سپس با بیانی شیوا و دلنشین آنان را نسبت به موجبات این عمل، آگاه کرد، و اشتباهشان را به آنها گوشزد نمود. سخنان پیامبر ﷺ آنچنان آنان را متأثر کرد که همگی گریه‌کنان گفتند: ای رسول خدا ما به سهم خود راضی هستیم و کوچک‌ترین گله‌ای نداریم (طبری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ۱۷۷؛ سبحانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۵۸).

۳-۱-۳. مدارای سیاسی عمومی

در قرآن کریم آمده است: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری: ۴۰)؛ وکیفر هر بدی، بدی همانند آن است؛ و هر کس ببخشد و اصلاح کند، پاداش او بر خداست؛ (زیرا) او ستمکاران را دوست ندارد. خداوند متعال در این آیه پس از آنکه اوصاف مؤمنان را بیان کرد، آنها را سفارش به عفو و بخشش در برابر بدی می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «إِنَّا أَمْرًا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ بِمَدَارَةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرُنَا بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۵۳)؛ ما گروه پیامبران همان‌طور که به انجام واجبات امر شده‌ایم، به مدارا با مردم نیز امر شده‌ایم.

در قرآن و عترت، تعامل، رفتار و نوع ساختار گفتمان با جامعه، بر اساس گفت‌وگوی سازنده، آن‌هم با اتخاذ موضعی از سر مهربانی و عطاوت صادقانه و صمیمانه بنا گردیده است؛ شیوه‌ای که در دل و نهاد هر انسانی، از هر آیین و مسلکی، به خوبی تأثیر مثبت و آشکار می‌گذارد، و باب مراوده و پاسخ منطقی به دور از هرگونه کینه‌ورزی را

توجه به این نامه‌ها روشن می‌شود که اسلام از همان آغاز، فکر همزیستی مسالمت‌آمیز با اقوام دیگر را فراهم ساخته است. بنابراین، باید تأکید کرد که سیره پیامبر اکرم ﷺ بر انکار ملیت‌ها و عدم استقلال داخلی آنان استوار نبوده است؛ و با وجود جهانی بودن آئین اسلام، موجودیت قبائل، ملت‌ها و ادیان دیگر، چه در قلمرو حکومت اسلامی و چه خارج از آن، محفوظ بوده است (کریمی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۸۳).

۴-۲-۳. مدارا با والدین

در تعالیم قرآن، در رابطه با نیکی و احسان و مهربانی کردن به والدین، تأکید فراوان شده است، مدارا با والدین ظاهراً هیچ قید و شرطی ندارد. می‌توان گفت که مدارا به معنای شفقت و مهربانی و احترام است. در چهار آیه از آیات قرآن، نیکی و احسان به پدر و مادر بلافاصله بعد از عبادت خداوند متعال بیان شده است (بقره: ۸۳؛ نساء: ۴۸؛ انعام: ۱۵۱؛ اسراء: ۲۳). این مطلب اهمیت موضوع را می‌رساند و بیانگر آن است که اسلام تا چه اندازه برای پدر و مادر احترام قائل است. در آیات شریفه ۱۴ و ۱۵ سورة «لقمان»، خداوند متعال به رفتار نیکو با والدین و زحمات آنان اشاره کرده است، و می‌فرماید: «وَصَيِّبْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتُهُ أُمُّهُ وَهَنًا...» در این آیات خداوند متعال به انسان امر می‌کند که به پدر و مادر نیکی کنید، اوامر آنان را اطاعت کرده و حقوقشان را نیز ادا کنید. خصوصاً مادر که فرزند را تا هنگام تولدش حمل می‌کند، و سپس به مدت دو سال او را شیر می‌دهد، و شب و روز به تربیش می‌پردازد (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۱، ص ۱۴۶).

در سنت نیز درباره احسان، نیکی و مدارا با پدر و مادر توصیه و سفارش شده است. امام صادق ﷺ در سخن ارزشمندی پیرامون کیفیت معاشرت با والدین چنین فرموده است: «پس با آنان مدارا کن و اظهار مهربانی و نرمی کرده و آزار و اذیت آنان را تحمل کن، چنان که آنان زحمت و اذیت تو را در طفولیت تحمل کردند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۱، ص ۷۸).

۴-۲-۵. مدارا با همسر

یکی از وظایف مشترک اخلاقی بین زن و شوهر، رفق و مدارا است. خانواده‌ای که از عنصر رفق، مدارا، ملایمت، و تسامح برخوردار نباشد، پایدار نمی‌ماند (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۰، ص ۳۹۶).

گاهی اوقات در طول زندگی مشترک به دلیل برخی مسائل از مهربانی و محبت و مؤدت بین زن و مرد کاسته می‌شود و کدورت و

اختلاف پیدا کردند و به فرقه‌های مختلف تقسیم شدند (سبحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳). معمولاً در هر دین و آئینی، پس از رحلت پیامبر یا بنیان‌گذار آن دین، در میان پیروانش اختلافاتی رخ می‌دهد. این اختلاف‌ها گاهی به قدری عمیق است که باعث پیدایش مذاهب و مکاتب مختلف می‌گردد، و پیروان دین را به گروه‌های متعدد تقسیم می‌کند. پس از رحلت پیامبر ﷺ - بلکه از همان روز رحلت ایشان - اختلاف بر سر خلافت و امامت، امت اسلام را به دو شاخه شیعه و سنی تقسیم کرد. بنابراین، خلأ حجیت و رهبر اعتقادی مورد قبول همه مسلمانان، نخستین دلیل اختلاف‌ها و پیدایش مذاهب اسلامی بود (برنجکار، ۱۳۷۸، ص ۱۲ و ۲۰). در این موقعیت، اهل بیت ﷺ شیعیان را در فضایی بسته و جدای از سایر مسلمانان در نظر نمی‌گرفتند، بلکه به نوع رابطه ایشان با دیگران و نیز نوع بینش دیگران درباره آنان، اهمیت زیادی می‌دادند. آنها بر ترسیم چهره‌ای خوب و درخشان از شیعه در اذهان عمومی مسلمانان، تأکید فراوانی داشتند، و برای آن راه‌کارهای مختلفی بیان می‌فرمودند. مهم‌ترین آنها تأکید بر مدارا با سایر مسلمانان پیرو مذاهب مخالف بود (مسائلی، ۱۳۹۳، ص ۳۶). ملاقات گسترده و طولانی بزرگان معتزله، مثل عمرو بن عبید، و واصل بن عطاء، و حفص بن سالم، با امام صادق ﷺ از یک سو، و نیز بزرگانی همچون سفیان ثوری، مالک بن انس، ابوحنیفه، یحیی بن سعید انصاری و... از سوی دیگر، همگی بیانگر جلوه‌هایی بارز در رفتار آن امام همام است (سیدحسینی، ۱۳۸۳، ص ۵۰۶).

۴-۲-۳. مدارای قومی و ملیتی

با انعقاد صلح حدیبیه پیامبر اکرم ﷺ و مسلمانان تا حدودی از تجاوز و تعرض راهزنان و رهگذران قریش، که از راه (وادی القری) به شام و نواحی شمال عربستان رفت‌وآمد می‌کردند، آسوده‌خاطر شدند. رسول خدا ﷺ فرصتی یافت که به پادشاهان و زمامداران عربستان و کشورهای مجاور عربستان نامه‌هایی بنویسد و آنان را به دین اسلام دعوت کند (آیتی، ۱۳۷۸، ص ۳۹۰). متن این نامه‌ها و حقائق و دلائل و اشاراتی که در لابه‌لای آنها نهفته است؛ و نصایح، اندرزها و تسهیلات و نرمی‌هایی که پیامبر ﷺ هنگام بستن پیمان با ملل بیگانه از خود نشان داد، حاکی از آن است که پیشرفت اسلام زاییده شمشیر و نیزه نبوده است (سبحانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۶۰۵) و از شیوه دعوت مسالمت‌آمیز آن حضرت حکایت می‌کنند (امینی، ۱۳۹۰، ص ۴۹). با

به مؤمنان گوشزد می‌کند که هرگاه زنان و همسرانشان آثار دشمنی را از خود بروز دادند، از آنها درگذرند. این سه جمله، نهایت گذشت و بخشش را می‌رساند (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۳۰۷).

۳-۳-۳. مدارای اخلاقی

مدارای اخلاقی از دیدگاه وگت به معنای مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی است. به عبارت دیگر، مدارا نسبت به اعمال کسانی است که به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خود، خارج از فضای عمومی هستند (عسکری و شارع‌پور، ۱۳۸۸، ص ۷). بر اساس تعریف وگت، تقسیم‌بندی زیر برای مدارای اخلاقی در نظر گرفته شده است. این مطالب به قرآن کریم و سنت، ارجاع داده خواهد شد.

۳-۳-۱. مدارا در رفتار

مدارا در زندگی شخصی فرد با دیگران یکی از عرصه‌هایی است که در متون دینی اسلام به آن توجه ویژه شده است. آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارد که گواه روشنی بر نرمی، آسان‌گیری، و گذشت، و بخشش از خطای دیگران و عدم تحمیل سلیقه خود بر دیگران است.

خداوند متعال در آیه شریفه ۱۵۹ سوره «آل عمران»، پیامبر اکرم ﷺ را مورد خطاب قرار داده است و به آن حضرت می‌فرماید: «در صورتی در رساندن تکالیف خداوند به بندگان موفق خواهد شد و قلب‌ها به سویس متمایل می‌گردد، که با خلق، بخشنده، کریم و مهربان باشد و از گناهان و بدی‌ها و خطاهای آنان بگذرد. به یاری ضعف و تهیدستان بشتابد؛ و واجب است در رفتار خود با مردم از خشونت و سخت‌گیری به دور باشد (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۴۰۷). رفتار امیرمؤمنان علیؓ بعد از پایان جنگ جمل نیز گواهی بر مدارای آن حضرت است. ایشان بعد از جنگ، عایشه و جمعی از آتش‌افروزان جنگ جمل را مورد عفو قرار داد و عایشه را با احترام خاصی به همراه چهل تن از زنان به مدینه فرستاد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۱۲ و ۲۱۳).

۳-۳-۲. مدارا نسبت به سبک‌های پوشش

بنا بر تعریف وگت، مدارای اخلاقی، مدارا نسبت به اعمال کسانی است که به دنبال ایجاد زندگی خوب برای خود، خارج از فضای خیر عمومی هستند. بنابراین، به جاست قلمرو مدارا نسبت به پوشش تبیین گردد. پوشش زنان و مردان مسئله‌ای است که قبل از هر چیز

دل‌سردی جای آن را می‌گیرد. در این مواقع، زوجین تصور می‌کنند که بهترین و آخرین راه، جدایی است و از این طریق زندگی بهتری نصیب آنان خواهد شد. اما در اینجا قرآن کریم آنان را به مدارا کردن و برگزیدن رفتار نیکو دعوت می‌کند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...». در این آیه خداوند متعال مردان را تشویق و ترغیب می‌کند که هرچند از زنان خود اکراه داشته و مورد علاقه آنها نیستند، اما نسبت به آنان شکبیا باشند، و با نیکی با آنها رفتار کنند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۱۳)؛ و در ادامه با آوردن «خَيْرًا كَثِيرًا» خداوند به همسرانی که مدارا می‌کنند نوید داده است که در آنچه نمی‌پسندند، خداوند خیر و برکت و سود فراوانی نهاده است که از مصادیق این خیر کثیر، فرزند صالح و بایاقت و ارزشمند است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۲۰).

امام سجادهؑ در رساله حقوق خود می‌فرماید: حق زن این است که بدانی خداوند بلندمرتبه او را مایه آرامش و همدلی تو قرار داده است. پس باید بدانی که این لطف و نعمتی از سوی خدای بلندمرتبه به تو است، تا او را گرمی بداری و با وی نرم‌خو باشی؛ هرچند حق تو بر او واجب‌تر است. پس حق او بر تو این است که با وی مهربان باشی... (صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۶۲۱).

۳-۲-۶. مدارا با فرزندان

مهم‌ترین و مؤثرترین عامل تربیت در نفوس فرزندان، خانه است؛ زیرا نخستین محیط اجتماعی است که فرزندان در اولین روزهای عمرشان با آن روبه‌رو می‌شوند و در آن به پدر و مادرشان اتکاء پیدا می‌کنند. از جمله نیازهایی که رسالت بزرگی را در سازندگی و تکمیل شخصیت فرزند دارد، به‌ویژه در دوره‌های نخستین زندگی، نیاز او به محبت و عطف والدین است (ادیب، ۱۳۶۲، ص ۲۶۸). اسلام پدران و مادران را تشویق می‌کند که خود را به صفت نرم‌خویی، مدارا و مهربانی آراسته کنند. قرآن کریم به عنوان کامل‌ترین کتاب تعلیم و تربیت، روابط بین والدین و فرزندان را به گونه‌های متفاوت بیان می‌کند. خدای سبحان در آیه ۱۴ سوره «تغابن» به دشمنی برخی از فرزندان و همسران با پدران و شوهران خود (مؤمنان) اشاره می‌کند. البته این دشمنی در امر ایمان است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، ص ۵۵۶). از این‌رو، خداوند متعال آنها را از اینکه فریب همسران و فرزندان‌شان را بخورند، برحذر می‌دارد. اما در ادامه آیه با آوردن جملات «تَعَفُّوا وَ تَصَفَّحُوا وَ تَعْفَرُوا»

طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۱۷). در همین زمینه پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ نیز عفو و بخشش را بهتر از قصاص می‌دانند.

انس بن مالک در مورد پیامبر اکرم ﷺ چنین نقل کرده است: هیچ‌گاه ندیدم امری که متضمن قصاص باشد و نزد رسول خدا ﷺ مطرح شود، مگر اینکه آن حضرت صاحب حق را امر به عفو فرمود (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۲۷۴). اساس اسلام و قوانین و قواعد آن بر مدارا و تسامح بنا شده است. البته همان‌طور که قبلاً نیز بیان شد، مدارا بدون قید و شرط نیست.

نتیجه‌گیری

اسلام در آغاز، همگان را به مدارا، عفو و گذشت توصیه کرده است، اما بین مدارا و شدت عمل رابطه برقرار کرده، به‌گونه‌ای که اگر مدارا موجب سلب و تضعیف ارزش‌ها، اصول و احکام الهی گردد، و یا به‌جسورتر شدن ظالمان و ستمگران منجر شود، و یا باعث ضایع و پامال شدن حقوق مردم گردد، و یا عزت و کرامت انسانی را مختل نماید، هیچ‌گونه مدارا و سازشی را نمی‌پذیرد، و دستور به شدت عمل می‌دهد. مدارا در اسلام قلمروی بس وسیع و گسترده دارد، و یک اصل عامی است که در سراسر هستی گسترده شده است که می‌توان از مدارای خداوند با انسان‌ها، تا ترغیب انسان به مدارا در حیطه‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی، نام برد. اسلام در حیطه سیاسی قائل به مدارای با مشرکان، منافقان و منتقدان است؛ و در حیطه اجتماعی نیز مدارا با اهل کتاب، قومیت‌ها، ملیت‌ها و مذاهب اسلامی؛ و در حیطه اجتماعی عمومی، مدارا با والدین، همسر، فرزندان؛ و در عرصه اخلاقی، مدارا در سبک پوشش، رفتار، برخورد با مجرمان را توصیه نموده است.

برخواسته از فطرت پاک و ساختار وجودی ذاتی آنهاست؛ زیرا از همان آغاز خلقت بشر، هریک از زن و مرد می‌کوشد تا به هر نحو ممکن خود را بپوشاند، بی‌آنکه قبلاً در این مورد آموزش دیده باشد (علیپور باغبان‌نژاد و رضایی، ۱۳۸۳، ص ۱۹).

در قرآن کریم آیاتی در سوره‌های احزاب و نور، آمده که به‌صراحت بر وجوب اصل حجاب و پوشش برای زنان دلالت دارند (نور؛ ۳۱؛ احزاب: ۵۹). پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم ﷺ نیز در ارزش و لزوم حجاب سخنان ارزشمندی بیان نموده‌اند:

عایشه نقل کرده است: اسما دختر ابوبکر به خانه پیامبر اکرم ﷺ آمد، درحالی که جامه‌های نازک و بدن‌نما پوشیده بود. رسول اکرم ﷺ روی خود را از او برگرداند و فرمود: ای اسما همین که زن به حد بلوغ رسید، سزاوار نیست چیزی از بدن او دیده شود، مگر این و این؛ و اشاره فرمود به چهره و قسمت مچ به پایین دست خودش (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۶۴۵).

بنابراین، در اسلام ملاک، پوشش زنان در برخورد با مرد نامحرم است، و این امر به عنوان یک اصل مطرح شده است. اما به دلیل آنکه اسلام یک آیین معتدل و متعادل و بدون افراط و تفریط می‌باشد با ابعاد و گستردگی مسئله حجاب و پوشش زنان، مدارا کرده است و حجاب را منحصر به پوشش خاصی نمی‌داند و این مطلب در سخنان فقها مشهود است. فقها در احکام پوشش چادر را واجب نکرده‌اند؛ اما آن را حجاب برتر و افضل معرفی نموده‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ص ۵۰۱).

پس می‌توان گفت: حجاب یک حد و وجوب شرعی دارد که از اصول دین و خط قرمز شریعت است و از آن نباید تخطی نمود. این حد با هرگونه پوششی که محقق شود، از دیدگاه اسلام پذیرفته است و مدارا در آن صدق می‌کند.

۳-۳-۳. مدارا نسبت به مجرمان

قرآن کریم همواره انسان‌ها را به سوی عفو، گذشت، نرمی و ملایمت و مدارای با یکدیگر فراخوانده است. از جمله آنها، آیاتی است که به مسئله قصاص پرداخته است و کیفر و مجازات را برای مجرمان و گناهکاران تشریح کرده است. خداوند متعال در آیه ۱۷۸ «بقره» ایمان‌آوردندگان را خطاب قرار داده است، و قانون قصاص را بر آنان تشریح کرده است. اما در ادامه آیه با آوردن جمله «فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ» اولیای مقتول را به ترک قصاص تشویق و ترغیب می‌کند (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۲۱؛ طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۳۲؛

.....منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبته‌الله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیر جزری، مبارک‌بن محمد، ۱۳۶۷، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، تحقیق محمود محمد طناحی، قم، اسماعیلیان.
- ، بی‌تا، *جامع الاصول فی احادیث الرسول*، تحقیق عبدالقادر الأرئووط، بی‌جا، دارالبیان.
- ابن شعبه حرانی، حسن‌بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- ابن فارس، احمد، ۱۹۷۹م، *معجم مقاییس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمدهارون،

بی‌جا، دارالفکر.

ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، تحقیق جمال‌الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر.

ابن هشام، عبدالملک، ۱۴۱۱ق، *السيرة النبويه*، تحقیق طه عبدالمعروف سعد، بیروت، دارالجليل.

احسانی، سیدمحمد، ۱۳۸۹، «مدارا یا مخالفان در سنت و سیره پیشوایان معصوم علیهم‌السلام»، معرفت، ش ۱۵۶، ص ۳۱-۴۴.

احمدی، علی اصغر، ۱۳۹۱، *عدالت اجتماعی در نهج البلاغه*، قم، بوستان کتاب.

ادیب، علی محمدحسین، ۱۳۶۲، *راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه‌السلام*، ترجمه سیدمحمد رادمنش، تهران، انجام کتاب.

امینی، محمدامین، ۱۳۹۰، «اصل همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان در اسلام»، معرفت، ش ۱۶۵، ص ۳۵-۵۲.

آیتی، محمدابراهیم، ۱۳۷۸، *تاریخ پیامبر اسلام*، چ هشتم، تهران، دانشگاه تهران.

برنجکار، رضا، ۱۳۷۸، *آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی*، قم، محتاطه.

پاینده، ابوالقاسم، بی‌تا، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *عمر الحکم و درر الکلم*، تحقیق سیدمحمد رجبی، قم، دار الکتاب اسلامی.

جمعی از محققان، ۱۳۸۶، *سیره سیاسی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، *تفصیل وسائل الشیعه*، تحقیق مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

حسینی زبیدی، محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق علی هلالی و علی سیدی، بیروت، دارالفکر.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، *لغت نامه*، تهران، دانشگاه تهران.

دیلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، *اعلام الدین فی صفات المؤمنین*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان الداوری، بیروت، دارالقلم.

زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۸ق، *التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه والمنهج*، بیروت، دارالفکر المعاصر.

زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت، دار الکتاب العربی.

سبحانی، جعفر، ۱۳۷۴، *فروع ولایت*، چ دهم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

—، بی‌تا، *بحوث فی ملل و النحل*، چ سوم، بی‌جا، بی‌تا.

سیدحسینی، صادق، ۱۳۸۳، *مدارای بین مذاهب*، قم، بوستان کتاب.

صدوق، محمد بن علی، ۱۴۰۳ق، *معانی الاخبار*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.

طبری، محمد بن جریر، ۱۴۰۷ق، *تاریخ الأمم و الرسول و الملوک*، بیروت، دارالکتب العلمیه.

طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تحقیق احمد حسینی اشکوری،

تهران، مرتضوی.

طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.

عسکری، علی و محمود شارع‌پور، ۱۳۸۸، «گونه‌شناسی مدارا و سنتش آن در میان دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبائی»، *تحقیقات فرهنگی*، ش ۸، ص ۱-۳۴.

علی اکبری، راضیه، ۱۳۹۲، «اخلاق و رفتار مسالمت‌آمیز با پیروان مذاهب»، *اخلاق و حیاتی*، ش ۴، ص ۹۱-۱۲۰.

علیپور باغبان‌نژاد، یوسف و اصغر رضایی، ۱۳۸۳، *حجاب آزادی یا اسارت*، چ دوم، تبریز، احرار.

فخررازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم، هجرت.

فرزانه‌پور، حسین و محمد بخشایی‌زاده، ۱۳۹۰، «تساهل و مدارا در قرآن»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۲۵، ص ۱۵۷-۱۷۶.

فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۶ق، *السوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام.

قرشی، علی اکبر، ۱۴۱۲ق، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

کریمی‌نیا، محمدمهدی، ۱۳۸۵، «سیره و رفتار مسالمت‌آمیز پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با غیرمسلمانان»، *میقات حج*، ش ۵۶، ص ۷۰-۱۰۹.

کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالاسلامیه.

لطفی، زهرا، ۱۳۸۸، *مدارا و قاطعیت از منظر قرآن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته تفسیر قرآن، قم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۹۰، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، چ چهارم، قم، دارالحديث.

مسائلی، مهدی، ۱۳۹۳، *پیشوایان شیعه پیشگامان وحدت*، چ ششم، مشهد، سپیده باوران.

مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن کریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، *تعلیم و تربیت در اسلام*، چ بیست و سوم، تهران، صدرا.

معین، محمد، ۱۳۸۸، *لغت نامه*، تهران، امیرکبیر.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الامالی*، تحقیق حسین استادولی و علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۶، *توضیح المسائل*، چ پنجم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.

نراقی، محمدمهدی، بی‌تا، *جامع السعادات*، تحقیق سیدمحمد کلاتر، نجف، مطبعة النهان.

واقفی، محمد بن عمر، بی‌تا، *المغازی*، بی‌جا، بی‌تا.